

معارف حقیقی در صحیفه سجادیه

مقایسه معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام
بامداران فلسفی و عرفانی

سید محسن طیب نما

سرشناسه	طیبنیا، سیدمحسن، ۱۳۵۵ -
عنوان قراردادی	صحیفه سجادیه، شرح
عنوان و نام پدیدآور	معارف حقیقی در صحیفه سجادیه: مقایسه معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با معارف فلسفی و عرفانی / سیدمحسن طیبنیا.
مشخصات نشر	تهران: راه نیکان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۲۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۳۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۴۱۱] - ۴۲۲، همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	مقایسه معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با معارف فلسفی و عرفانی.
موضوع	علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر
موضوع	علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- عرفان
موضوع	چهارده معصوم -- عرفان
موضوع	خدانشناسی (اسلام)
موضوع	عرفان -- مطالعات تطبیقی
موضوع	اسلام -- عقاید
شناسه افزوده	علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه، شرح
رده بندی کنگر	۱۳۹۵ ۳۰۴۲۲۶۵ ص ۸ع / BP۲۶۱
رده بندی دیویی	۲۹۷/۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۰۱۸



نشر راه نیکان

بخش معارف اهل بیت علیهم السلام

معارف حقیقی در صحیفه سجادیه

مقایسه معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام با معارف فلسفی و عرفانی

تألیف: سید محسن طیب نیا

چاپ اول: ۱۳۹۵ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

ISBN : 978-600-7297-36-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۳۶-۰

شماره ثبت مجوز: ۱۴۱۰۹۳۱ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

سخن ناشر	۹
پیشگفتار	۱۳
مقدمه اول	۳۳
مقدمه دوم	۵۷
فصل اول - عالم مخلوق خداست نه تبار و صدور ذات الهی	۷۱
فصل دوم - خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن است	۹۹
فصل سوم - خداوند متعال مابین با مخلوقات حواش است	۱۱۳
فصل چهارم - اندیشه‌ها به ذات الهی راهی ندارند	۱۲۹
فصل پنجم - خداوند رؤیت نمی‌شود	۱۴۳
فصل ششم - معبودی جز خدا نیست	۱۵۳
فصل هفتم - ردّ جبر در معارف خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام	۱۸۱
فصل هشتم - ردّ فئای در ذات خداوند	۲۱۵
فصل نهم - مخلوقات فقراء درگاه اویند	۲۴۹
فصل دهم - دعا کردن اوج بندگی در پیشگاه الهی	۲۵۹
فصل یازدهم - در مذمت شیطان	۲۶۷
فصل دوازدهم - انحصار هدایت در مکتب خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام ...	۲۹۱

فصل سیزدهم - ولی عصر علیه السلام در مناجات امام سجاد علیه السلام	۳۱۱
فصل چهاردهم - عذاب جهنم در تفکرات عرفانی و فلسفی	۳۱۷
فصل پانزدهم - بهشت و دوزخ در فلسفه صدرائی	۳۴۱
فصل شانزدهم - ردّ زایش از ذات الهی	۳۶۷
فصل هفدهم - همه امور عالم به مشیت الهی است	۳۸۵
خاتمه	۳۹۷
منابع و مآخذ	۴۱۱

سخن ناشر

بوده و مستند بر دان و زنانی که رؤیتشان بر روایتشان مقدم است. «پاکدل» از هر غل و غش و «طیب» از مگداند، آینه جانیشان را چنان صیقل داده‌اند که خداوند سینه آنها را مفتاح خزائن غیب و حکمت گردانیده است. از کلامشان نور می‌تراود، با لطف الهی قرین هستند و با محبت عرشان - ملک شین، فیق، با اهل تزویج و ریا که سرمه‌ی بی‌خبری در دیده زشت بینشان کشیده، و غسل آئیل از شرابخانه‌ی ابلیس و هم و خیال نوشیده‌اند کارشان نیست. آنگاه که لب به گفتن می‌گشایند، ا قلم به دست می‌گیرند تا بنگارند با کسانی که سر بر بالین غفلت نهاده، غرور دروغ و حجاب روزگارشان شده، بیگانه‌وار می‌آیند و دیوانه‌وار می‌روند فرق بسیار دارند. زیرا آینه آینه‌اند و فرزانه در حال رفتن‌اند. به همین خصلت خوبان از نیکان بهتران که جز متابعت محمد و آل علیهم‌السلام از آن بی‌نصیب می‌باشند از عقبات خطرات روزمرگی گذشته و از چنگ نهنگ دنیا گریخته‌اند به جبل متین الهی آویخته، امر مطاع «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ را امثال نموده‌اند، به این راز رسیده‌اند که اگر از جبل متین الهی بی‌نصیب باشند از نام و نامه‌ی حق روی تافته، به جامه و جام، غلام و حطام، مرکب و ستام مشغول خواهند شد.

به این دریافت برای همیشه نام آنان را که حبل الهی اند ذکر دهر و تولای ایشان را حرز نموده، به تبرا از دشمنان ایشان از سرچشمه عرفان «معرفتی بالنورانیة معرفة الله عزوجل و معرفة الله عزوجل معرفتی بالنورانیة»^۱ تا به مستی کامل رسیدن نوشیده‌اند. به همین مقام و مرتبت که همه کس از آن سهم و نصیبی ندارد هیچ‌گاه در دام گام ننهاده‌اند. زیرا به آنان که هستی پاندا از ایشان است عشق ورزیده، به فیض این عشق به شهود رسیده، از شاخه نبات شهودشان، شهد و شکر حقایق حدیث صعب و مستعصب^۲ آل محمد علیهم‌السلام ریخته، یاد آور «و فاتحة ذلک کله معرفتنا، و خاتمه معرفتنا»^۳ ابی همه این اعمال معرفت ما و انتهای آن معرفت مامی باشد می‌شود.

حقایقی که فیاض غریبه با فرهنگ غنی اهل بیت علیهم‌السلام فدای خیالات و صوفی مدعی کرامات، سرمایه صانع ادب است نموده، عالمان بی بصیرت فاقد عمل، وسیله گذر از پل خواسته‌ها کرده‌اند؛ و عارفان که به یاد و نیروی معرفت الله به کنه حقیقت ولایت با امامت رسیده‌اند، حقایق بین و دقایق دانسته، بی مشقت مجاهدت، به حقیقت مشاهدت رسیده، در مقام «لولا انا و انت یا علی، ما خلق الله الخلق یا علی، اگر من و تو نبودیم خداوند خلق را نمی آفرید»^۴ شرحی عارفانه بر «فما خلق الله الا و انتم له السبب و الیه السبیل»^۵ شده‌اند، بی زحمات خیالی، رحمت جمالی دیده، فا از تفس آتش دوزخ و نه

۱- شناختن من به نورانیت در حقیقت شناختن خداست، و شناختن خدا در حقیقت معرفت من به نورانیت است.

۲- امام باقر علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند: «ان حدیث آل محمد عظیم صعب مستعصب لایؤمن به الا ملک مقرب، او نبی مرسل، او عبد [مؤمن] امتحن الله قلبه للایمان» همانا گفتار و احادیث آل محمد بزرگ، سخت و دشوار است، به آن ایمان نمی‌آورد مگر فرشته مقرب پروردگار یا پیغمبر مرسل و یا بنده مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان آزمایش کرده است. (مختصر بصائر الدرجات؛ محمدبن حسن صفار: ۱۲۳ + بحارالانوار؛ علامه مجلسی: ۳۶۶/۲۵)

۳- امالی شیخ طوسی: ۶۹۴

ح ۷)

۴- ولایت‌نامه؛ آیه‌الله سیدابراهیم میلانی: ۱۸۲

۵- هیچ چیز نیست مگر اینکه شما سبب آن و راه رسیدن به آن هستید (بحار: ۳۷/۹۴ سطر ۶)

به طمع نعمات بهشت، بلکه عاشقانه در صراط احقاق حقوق سجاده‌نشینان ولایة‌الله «ولایتنا ولایة‌الله»^۱ چون نویسنده مستغنی از القاب رساله‌ای که در دست دارید گفته‌اند و نوشته‌اند. این نیکان از ما بهتران که دمساز عشق به آل عصمت علیهم‌السلام و دلباز صدق می‌باشند که به معرفت «یا علی ما عرف الله الا انا و انت، و ما عرفنی الا الله و انت و ما عرفک الا الله و انا»^۲ عقل خود را از عقله‌ی فنا رها کنید، قبابی بقا پوشیده‌اند، هزاران دُر ناسفته از صدف دل و باغ سینه نثار دوستداران و احیاگران امر آل محمد علیهم‌السلام کرد.

شاید که در دست دارید از آن جمله است که باطن آن گنج‌خانه‌ی راز است و ظاهروش، رازخانه‌ی نیاز، همه عقلا و عرفا، اهل صفه‌ی صفا و ارباب عهد و وفا می‌توانند از این حرور روشنائی که براساس صحیفه سجادیه میراث جاودان حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام فراهم آمده خوشه‌ها برگیرند و بدانند: بدیهی است خفاش مانند سیمرغ نتواند بود. گنگ با دُر گنگ و پای گنگ بر ساطی که مؤلف رساله حاضر فراهم آورده راه نخواهند داشت؛ که صحفه سجاده پناهگاه عارفان خاندان است، نه خانه‌ی خمار صوفیان.

فهم مطالب بلند این کتاب قایقی است که تو را از سوی ساحل می‌برد. نودبانی است که طالب لقاء را به قرب محبوب حقیقی می‌رساند. فتد باید به خاطر داشت. «فهم» آوردیم تا گفته باشیم با خواندن آثار و تکرار سخنان عارفان نمی‌توان عارف شد. عرفان،

۱- امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «ولایتنا ولایة‌الله...» ولایت ما؛ ولایت خداوند است» (امالی مفید: ۱۴۲ ح ۹ + بحارالانوار: ۲۶۲/۱۰۰ ح ۱۵ + بصائر الدرجات: ۷۵ ح ۹ + الکافی: ۴۳۷/۱ ح ۳)

۲- از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی: «ای علی! خداوند یکتا را جز من و تو کسی نشناخته است، و مرا جز خدا و تو کسی نشناخته است، و تو را غیر از خدا و من کسی نشناخته است» (منتخب البصائر؛ حسن بن سلیمان: ۱۲۵ + تأویل الآیات؛ شرف‌الدین نجفی: ۲۲۱/۱ ح ۱۵ + محتضر، حسن بن سلیمان حلی: ۱۶۵ + مدینه المعاجز؛ سیدهاشم بحرانی: ۴۳۹/۲ ح ۶۶۳)

نتیجه دوستداری و متابعت ائمه طاهرین و یزازی از دشمنان ایشان است. تو می توانی تمام کتاب های مربوط به موضوع عشق را بخوانی و درباره ی عشق، بسیار بدانی، اما فقط درباره ی عشق می دانی. تو عاشق نیستی که دانستن درباره ی عشق با دانستن عشق فرق بسیار دارد. باید عاشق شوی تا عشق را بفهمی، بنابراین جهد کن تا عاشق شوی تا شرحی عارفانه بر

به گیتی مزن جز به نیکی نفس
قدم زن تو در راه نیکان و بس
شوی، آنگاه به هر کجا رو کنی، خدا را می بینی. به هر چه که دست بزنی، گرما و مهر شیعه بودن را خرمی داشت.

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۴

www.ketab.ir